

جمعه گذشته انتخابات دیگری در ایران برگزار شد که هر چند نسبت به انتخابات ریاست جمهوری در چهار سال گذشته دارای اهمیت و حواشی کمتری بود ولی در نوع خود دربردارنده غیرمنتظره هایی برای مردم و ناظران و صاحب نظران سیاسی بود. قبل از هر چیز باید یادآوری و تاکید شود که انتخابات ها در جمهوری اسلامی هیچگاه آزاد و رقابتی و عادلانه نبوده و انتخابات جمعه گذشته نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست. در این انتخابات نیز نامزدهای نهایی پس از عبور از صافی های متعدد توانستند وارد کارزار شوند. با توجه به هزینه سنگین حیثیتی و سیاسی که جمهوری اسلامی از بابت تقلب در انتخابات پیشین متحمل شده بود این بار رویکرد دیگری در پیش گرفت و با ایجاد فضایی فریبنده و سرشار از هیجان همراه با بیم و امید، مردم را وادار به شرکت در انتخابات کرد.

وضعیت بد معیشتی و اقتصادی مردم، تهدیدات خارجی و سیاستهای فاجعه آمیز احمدی نژاد در عرصه داخلی و بین المللی، موجی از نارضایتی گسترده بین مردم و حتی مقامات جمهوری اسلامی و شخص رهبر ایجاد کرده بود. موج ایجاد شده توسط اصلاح طلبان طرفدار موجودیت نظام و اپوزیسیون تغییرخواه خارج نشین مورد استفاده قرار گرفت و تبلیغات وسیع آنها مبنی بر ضرورت شرکت در انتخابات، باعث شد افراد مردد و یا “تحریمی”هایی که بعد از تقلب گسترده در دور قبلی انتخابات در عدم شرکت در انتخابات مصمم بودند تغییر عقیده داده و در آخرین روز و حتی در دقیقه ۹۰ به سمت صندوقهای رای رو بیاوردند و این دقیقاً همان چیزی بود که جمهوری اسلامی و رهبر خودکامه اش، سرسختانه به دنبال آن بود. برخلاف جریان سازی هایی که در مورد سعید جلیلی صورت گرفت، حسن روحانی با آن پیشینه امنیتی- اطلاعاتی خود اولین و ایدئال ترین گزینه رهبری و نظام بود.

این بار جمهوری اسلامی حماسه ای خلق کرد که بازیگرانش شامل طیف گسترده تری از اپوزیسیون بود که در زمین جمهوری اسلامی به بازی پرداختند تا اوامر و خواسته های جمهوری اسلامی برای مشارکت حداکثری فراهم شود. بنابراین تردیدی نیست که علی خامنه ای پیروز بزرگ این انتخابات است؛ چرا که همانطور که خودش بارها گفته شرکت مردم در انتخابات و انداختن رای به صندوق به منزله همه پرسی برای مشروعیت نظام است. آنچه جای تاسف دارد موج امید کاذبی می باشد که به جامعه تزریق شده و بزودی رای دهندگان را دچار یاس و سرخوردگی شدید خواهد کرد.

اصلاح طلبان و طرفداران تغییر در جامعه در حالی چهره فردی آزادنش و تغییرخواه از حسن روحانی ترسیم می کنند که خود وی حتی در کمپین های انتخاباتی اش، هرگز چنین ادعایی نداشته است. باید توجه داشت که حسن روحانی، به عنوان مذاکره کننده سابق هسته ای در دوران اصلاحات، چهره ای نزدیک به هاشمی رفسنجانی بوده و اکنون با آغاز زمامداری و ریاست جمهوری وی، ایران تا حدی به دوره پیشا اصلاحات برگشت خواهد نمود. دوره پیشا اصلاحات دوره ای است که به دوره سازندگی مشهور بوده و سردار و سردمدار آن آقای هاشمی رفسنجانی بود. بنابراین با ریاست روحانی بر کشور، شاهد احیای وضعیت دوران سازندگی یعنی ایجاد گشایش در عرصه های اقتصادی و فرهنگی و بطور همزمان حفظ سخت گیری سیاسی و اعمال محدودیت بر آزادیهای مدنی، فردی و سیاسی در مورد افراد، گروهها و احزاب خواهیم بود. حتی اگر در صورت فشارهای مردمی آقای روحانی گرایش هم به برخی اصلاحات سیاسی داشته باشد با تمایل به خودکامگی تمام عیار که بطور مشخص تر از سال ۱۳۸۴ از سوی رهبر دیده می شود وی هرگز اجازه نخواهد داد تا اصلاحات و آزادیهای نیم بند آن دوره تکرار شود. بنابراین، روحانی چهره ای امنیتی نظامی در نظام هست و کاندیدای تغییر نیست و نباید انتظارات در مورد او را بیش از اندازه بالا برد.

کسانی که در شکل گیری موج “رای می دهم” نقش داشتند

فعالان و رسانه های فارسی زبان خارج از کشور

در راستای اصل فقهی “دفع افسد به فاسد” و برای دفع خطر ادعایی سعید جلیلی، اکثریت قریب به اتفاق رسانه های متنفذ فارسی زبان اپوزیسیون در خارج از کشور، و فعالان سیاسی و روزنامه نگاران و دیگر جهت دهندگان به افکار عمومی، شرکت گسترده در انتخابات را ترغیب و تشویق کردند. آنها با عنوان کردن ادعاهایی از قبیل “خطر طالبانیسم”، “شرایط ۱۸۰ درجه تغییر کرده” و “قهر کنندگان باید رای بدهند تا تندروها سر کار نیایند” فضای انتخاباتی را گرم کردند و موج “رای می دهم” را ایجاد کردند. در تلویزیون های بی بی سی فارسی، صدای آمریکا و رادیو فردا بسیاری از کارشناسانی که دعوت شدند به تشویق مخاطبان برای شرکت در انتخابات پرداختند.

صدا و سیمای کنشگران سیاسی داخل کشور

صدا و سیمای همانند کلیه انتخابات پیشین با استفاده از تکنیک های فیلم برداری و اغراق نمایی و نشان دادن صفهای طولانی رای دهندگان توانست مردم را از خانه هایشان بیرون بکشد. در این تصاویر نشان داده شد که از مصباح یزدی تا ابراهیم یزدی و از ملی مذهبی ها تا جبهه مشارکتی ها و حزب اللهی ها همه و همه در رای گیری شرکت دارند. در این انتخابات، اغلب اصلاح طلبان، طرفداران جنبش سبز (با وجود درحصر بودن رهبران آن)، مشارکتی ها (با وجود غیرقانونی اعلام شدن این تشکل و زندانی بودن برخی اعضای ارشد آن)، زندانیان سیاسی بویژه زندانیان اوین (از جمله آقای تاج زاده) تشویق به رای دادن کردند. درحالیکه تنها جریان عمده تحریم کننده در داخل کشور سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود.

شگردهای جمهوری اسلامی برای تامین حداکثری رای دهندگان:

توسل به ناسیونالیسم ایرانی، ایجاد موقتی فضای مطبوعاتی پویا با رفع برخی محدودیتها و صدور مجوز انتشار به بعضی روزنامه های اصلاح طلب و سایتهای اینترنتی، آزادی نسبی در جامعه، ایجاد موجها و هیجانات کاذب و ایجاد فضایی که کشور در حال فروپاشی و از دست رفتن است و یا اغراق نمایی در مورد خطر خارجی از جمله شگردهای همیشگی بود که مورد استفاده قرار گرفت. طرح موضوع “انتخاب بین بد و بدتر” بین روحانی و سعید جلیلی، و جذب آرای “تحریمی ها” و روشهای دیگر باعث شد تا برای اولین بار اپوزیسیون به اصطلاح برانداز خارج نشین با نیروهای اصلاح طلب داخل کشور در مشارکت در انتخابات با یکدیگر همصدا شوند. همچنین موارد ذیل در افزایش تعداد رای دهندگان موثر واقع شد:

کمپین دعوت از خاتمی

گمان می رفت این دور از انتخابات بسیار ضعیف و کم رونق برگزار شود و این چشم انداز باعث نگرانی نظام بود در نتیجه با ایجاد حرکتهایی از قبیل “کمپین های دعوت” از قبیل کمپین دعوت از خاتمی برای آمدن و وارد شدن به کارزار انتخاباتی، فضایی از امید و نشاط بر کشور حاکم کردند و سپس اعلام شد که خاتمی نمی آید.

موج رحیم مشایی

در جمهوری اسلامی کلیه امور کلان کشوری بدون هماهنگی با بیت رهبر نمی تواند صورت واقعیت به خود بگیرد. واژه “استمزاج” – به معنای کسب نظر و مشورت کردن – یکی از اصطلاحاتی است که در قاموس و ادبیات جمهوری اسلامی مورد استفاده زیادی قرار می گیرد. وارد شدن رحیم مشایی و انجام مانورهای تبلیغاتی فراوان برای هیجانی و گرم کردن فضای انتخاباتی نیز نمی توانسته بدون استمزاج با مراکز قدرت صورت گرفته باشد. این حضور و سپس عقب کشیدن رحیم مشایی تب انتخابات را بالا برد و افکار عمومی را جذب انتخابات نمود.

رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی

طرح اعلام کاندیداتوری آقای هاشمی رفسنجانی شور و هیجان زیادی را به جامعه وارد کرد درحالیکه وی شرکت خود در انتخابات را مشروط به کسب موافقت و تایید رهبر دانسته بود. به تعبیر آقای رجایی یکی از نزدیکان آقای رفسنجانی، وی در آخرین ساعات آخرین روز ثبت نام برای کاندیداتوری پس از اخذ این موافقت از سوی بیت وارد میدان انتخاباتی شد ولی رفسنجانی نیز همانند رحیم مشایی با رد صلاحیت شورای نگهبان روبرو شده و به کنار رفت تا غیرمنتظره ها و نشاط انتخاباتی را به اوج رسانده باشد.

ترسیم چهره ای مخوف از سعید جلیلی

نیروهای اصلاح طلب داخل و گروههای اپوزیسیون با ترویج این باور که نظر رهبر و نهادهای قدرت بر روی سعید جلیلی به عنوان نیرویی حزب اللهی است و رهبر و فرماندهان سپاه به شدت مخالف ریاست جمهوری روحانی هستند مردم را به حضور بیشتر در انتخابات ترغیب کردند و این احساس را در بین همگان اشاعه دادند که مردم با مشارکت گسترده در انتخابات، می توانند جلوی خودکامی رهبر ایستاده و خامنه ای را به شکست و عقب نشینی وادار کنند. به عبارت دیگر این ادعا ترویج شد که رای به روحانی یک “نه” بزرگ به خامنه ای و به نظام است. این در حالی است که رهبر و دیگر اقتدارگرایان بارها تاکید کرده اند که شرکت در انتخابات و انداختن رای به صندوق، رای به نظام و همه پرسی برای مشروعیت نظام است.

لازم به ذکر است که در جنبش سبز نیز، میرحسین موسوی به زعم خودش، دنبال احیای عصر طلایی دوران امام خمینی بود – عصری که اوج قساوت، خونریزی و کشتار فعالان و مخالفان سیاسی در جمهوری اسلامی در آن صورت گرفت. حسن روحانی هم علنا اعلام کرده که حفظ نظام واجب و اجبات بوده و بر هر چیز دیگری ارجحیت دارد.

پرده آخر نمایش با بازی حسن روحانی

هشدار شورای نگهبان مبنی بر تجدید نظر در تایید صلاحیت حسن روحانی در آستانه انتخابات و همزمان نشان دادن حسن روحانی به عنوان منجی ایران و عامل برون رفت از شرایط کنونی و مانور بر روی فرد تندرویی مانند سعید جلیلی، ایجاد جو کاذبی مبنی بر جدی بودن خطر استبداد و طالبانیسم از جمله شگردهایی بود که دست اندرکاران جمهوری اسلامی توانستند با بهره برداری از آنها مردم را به سمت صندوقهای رای بکشانند. بخش گسترده ای از مردم در دقیقه نود، بار دیگر به امکان پذیری تغییر از طریق شرکت در انتخابات و حرکت های اعتراضی امیدوار شدند و وسوسه شرکت گسترده در انتخابات برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع فزونی یافت بطوریکه موجی راه افتاد که افراد می گفتند نمی خواهند از فرصت موجود صرف نظر کنند.

حسن روحانی در ردای جدید خود به عنوان رئیس جمهور آینده، تلاش کرد تا با در پیش گرفتن سیاست ابهام و پوشاندن پیشینه امنیتی و اطلاعاتی خود، به عنوان چهره “هر کسی از ظن خود شد یار من، از درون من نجست اسرار من” بتواند حمایت حداکثری دو طیف اصلی در جامعه (اطلاح طلبان و اصولگرایان) را داشته باشد. در پاسخ به این سوال که شما نماینده کدام طیف از جریان های سیاسی کشور هستید؟ روحانی گفته بود: من اعتدالگرا هستم و از ابتدا هم با اصولگرایان و اصلاح طلب های معتدل ارتباط معقول و خوبی داشته و دارم و همین شیوه را نیز ادامه خواهم داد. به طور قطع اگر در انتخابات با رای مردم موفق شوم، کابینه ای معتدل و فراجناحی تشکیل خواهم داد.

خامنه ای تنها پیروز انتخابات

علیرغم احساس امید و نشاط کاذب و گذرایی که پس از پیروزی حسن روحانی در جامعه ایجاد شده و اینگونه القا می شود که مردم با انتخاب وی، خواست و اراده خود را به کرسی نشانند بی تردید علی خامنه ای برنده اصلی این انتخابات است که بدون هیچ گونه چالشی انتخاباتی را برگزار کرد تا فردی از حلقه نزدیکان خود را برای پست ریاست جمهوری بگمارد و در عین حال امیدی واهی برای بخش عمده ای از جامعه منتقل نماید که برای ایجاد تغییر نهایت تلاش خود را بکار بردند. وی این بار به دو دلیل عمده، انتخاباتی عاری از تقلب برگزار کرد:

اول- با فضایی که ایجاد شد دیگر نیاز و ضرورتی به هرگونه تقلب عمده نبود. دوم- کسی که برای پیروزی در این انتخابات مطرح شد چهره ای امنیتی و اطلاعاتی است و به عنوان بهترین گزینه رهبر برای رویارویی با چالش هسته ای، سیاست خارجی و تحریمها می تواند میزان فشارهای خارجی بر نظام را کاهش دهد بویژه که ادعا می کند به پنج زبان خارجی تسلط داشته و می داند چگونه با دنیا تعامل کند. در این میان، آنچه جای شگفتی و تاسف دارد امید و انتظار برای تغییرات گسترده توسط حسن روحانی است؛ رویایی که به نظر نمی رسد قابل تحقق باشد.

احمد هاشمی روزنامه نگار و کارمند سابق وزارت خارجه

<http://ahmaddhashemi.blogspot.com>